

تاریخ پزشکی در دوران ساسانیان

آخرین پادشاه اشکانی به نام اردوان چهارم در نبردی که با اردشیر (240 - 226 میلادی) فرزند بابک نمود، شکست خورد و ایران در دست اردشیر که سر سلسله پادشاهان ساسانی است افتاد (226 میلادی)، بدین گونه وی پادشاه ایران زمین و جانشین اشکانیان و هخامنشیان شد.

بنیانگذار ساسانیان اردشیر بابکان و شاپور اول و دوم و انوشیروان بیش از دیگر پادشاهان ساسانی در گردآوری و برگرداندن نسکهای دینی و دانشی تلاش کردند. شاپور در زنده کردن زبان باستانی و نسکها و آیین اوستا برآمد و نسکهای پزشکی و ستاره شناسی و جغرافیا و هنر که از ایران به هند و یونان رفته بود را گردآوری کرد و آنها را سامان بخشید. اردشیر پادشاه ساسانی به همینگونه برای گردآوری نسکهای دانشی گروهی را به سرزمین روم و هند فرستاد تا آن نسکها را گردآوری کنند. ابن ندیم مینویسد: « اردشیر برای گردآوری کتاب از هند و روم و بقایای آثاری که در عراق مانده بود، کسانی را بدان ناحیه ها فرستاد و از آنها هر چه را متفرق بود گرد آورد و آنچه را متباین بود تالیف کرد.» پسرش شاپور اول نیز کار پدر را دنبال کرد و دسته ای از آن نسکها را از یونانی به پهلوی برگرداند. این پادشاه گروهی از پزشکان یونانی را برای آموزش پزشکی به ایران آورد.

پس از جنگ بین ایران و روم، و پیروزی شاپور اول بر **والرین** امپراتور روم و گرفتن انتاکیه، شاپور گروهی از اسیران رومی را بر آن داشت تا شهری در نزدیکی شوشتر کنونی در خوزستان بسازند. نام این شهر «**گند شاه پوهر**» یا «**واندوشا پوهر**» (ve - Andew - Shapohr) به چم «**شاپور به از انتاکیه**» است. که پس از آن یکی از مراکز بزرگ پزشکی پیش از اسلام گردید.

به امر شاپور اول نسکهای پزشکی از زبانهای دیگر به پهلوی برگردانده شد و گروهی از پزشکان ایرانی، هندی و یونانی به آموزش در این مرکز علمی سرگرم شدند.

فردوسی درباره گشودن انتاکیه گوید:

به انتاکیه در خبر شد ز شاه	که با پیل و لشگر برآمد ز راه
سپاهی بدان شهر بدبیکران	دلبران رومی و کند آوران
سه روز اندران شاه شد درنگ	بدان تا نباشد به بیداد جنگ
گشاده شد آن مرز آباد بوم	سواری ندیدند جنگی ز روم
اسیران و آن گنج قیصر ز راه	بسوی مداین فرستاد شاه
زیس باغ و میدان و آب روان	همی تازه شد پیر گشته جوان
چنین گفت با موبدان شهریار	که انتاکیه است این اگر نو بهار
کسی کو ندیدست خرم بهشت	ز مشک اندر و خاک و ز زر خشت

از رویدادهای مهم دوران شاپور اول بیرون آمدن مانی و پیامبری او بود که آیین و کیش یا روش نو آورد. گروهی نیز به وی گرویدند. مانی از دانش پزشکی بی بهره نبود، مشهور است که شاپور درمان فرزندش را که بیمار بود از وی درخواست کرد، اما کودک در آغوش پدر جان سپرد.

پزشکی و شاخه های آن در دوره ساسانیان

در کتاب بندهش کوتاه شده ای از دانشهای طبیعی و ستاره شناسی به شیوه ای که از اوستای دوران ساسانی به دست آمده این مطلب آورده شده است، دیگر آن که در **معجم البلدان**، **یاقوت حموی** آمده که در دوران ساسانیان در ریشهر (ریواردشیر) از بخشهای ارجان، گروهی از نویسندگان بوده اند که به یاری خط مرموزی موسوم به **گشتگ** **Gashtagh** دانشهای پزشکی و ستاره شناسی و فلسفه را برجای گذاشته اند و آنان را **گشتگ دفتران** می خوانده اند.

در **هوسپارم نسک Hnpatam Nask** از نسکهای از دست رفته دوره ساسانی درباره پزشکی گوشه هایی به جای مانده است. برای نمونه از دو گونه بیماری یکی از بیماری واگیر و دیگری بیماری عادی گفتگو شده است. نخستین گروه تلفات زیادی می داد، ولی گروه دومی تلفاتی مانند نخستین نداشته است.

فردوسی در شاهنامه از قول برزویه می فرماید:

سر درمندان بدو گفت چیست	که بر درد آنکس که باید گریست
بدو گفت آنکس که افزون خورد	چو بر خوان نشیند خورش نشمرد
نباشد فراوان خوش تندرست	بزرگ آنکه از تندرستی بجست

در دینکرد آمده است که تندرستی بر دو گونه است نخست درستی تن و دوم درستی جان و پزشک را دو گونه شمرده است پزشک روحانی و پزشک جسمانی.

از نسکها و نوشتارهای پزشکی که از دوران ساسانیان بجای مانده است پزشکی به دو گونه انجام می گرفته است. نخست پزشکی جسمانی و سپس پزشکی روحانی، منترا.

درمان بیماریها با آنکه در پزشکی ایران باستان چنانکه از نسکهای آن دوران بدست میاید به سه یا پنج گونه انجام می گرفته است، اما در پزشکی بقراطی سه گونه بوده است: دارو و لوازم جراحی (آهن) و آتش (داغ کردن) و این امر پس از رخنه پزشکی بقراطی در پزشکی ایرانی در کشور ما بسیار رایج گردیده، منتهی درمان با منترا نیز بسیار معمولی بوده و رخنه خود را از دست نداده است.

گیاه درمانی و موارد دارویی و خوراکی

در دوران ساسانیان که پزشکی در آن دوران درخشان تر از دوران پیش از خود بوده، افزون بر دانشهای پیشین دانستنی های بیشتری نیز بدان افزوده گردیده است.

چنین بر میاید که در دوران ساسانیان بررسیهای بیشتری درباره گیاهان انجام گرفته است و برای آزمایش گیاهان **برزویه پزشک** به هندوستان رفته است و پژوهش های گراندردی انجام داده است.

در تاق بستان نقش درختی که شاخه هایش بر ستون پیچیده شده است و برگهای آن مانند برگ کنگر و در بالای آن به گل بسیار قشنگی ختم می گردد دیده می شود، چنین برمیاید که این گیاهان همان **گوگرد** باشد (یشتها ج 1 پورداود).

درمان با نباتات

شماره زیادی از نباتات برای درمان در آن دوران بوده که برخی از آنها را تا هفتاد شمار کرده اند.

همچنین از نباتات زهردار نیز سخن به میان آمده است، که در پزشکی از آنها سود برده میشده.

در در تاق بستان نقش درختی دیده میشود که ممکن است همان درخت **ون یودیش Vun-I. Yudh-lesh** که درمان کننده هر بیماری در آن دوران بشمار می رفته باشد.

از ادویه و مواد خوارکی که در دوران ساسانیان بویژه در دستگاه شاهانه، چه از برای دارو و چه موارد دیگر؛ بهرمنند میشده اند میتوان اینها را نام برد:

شکر، (نی شکر که در خوزستان این درخت کشت میشده است)، زنجبیل **Gingem re**، زعفران (این زعفران از ناحیه قم و بوان بوده است)، گلاب، شاهسپریم (**Basilie romain**) بنفشه، نیلوفر، باقلای معطر، نرگس، گل سرخ، خیری **Vesicuria gnaphaloide**، ترنج، فلفل، عود **Bois d'Aloes**، شراب، انار و آب انار، نمک، عسل، شاهدانه، زیتون، بادام، گردو، جو(برای اسبان و چارپایان)، گونه های چربی ها، هلو، نارگیل، پسته، عدس، سرکه، اسپند، خرما، (از حیره)، خردل، انقوزه، گوگرد، ترنجبین **Mannede Heydyaruuum Alkagi**، کتیرا **Gomme**، نیل **Indi go**، زیره، خرمل، کرچک، زاج، صبر زرد، لاجورد **Azur Bleu Colialt**، نوشادر **Sel d'ammonniaque** و مواد خوشبو مانند عنبر اشهب و مشگ و کافور و صندل (این چهار ماده آخری بیشتر در کاخهای خسرو پرویز سوزانده میشد که کاخها را خوشبو سازد)، کندر **Encens** دارچین **Cannelle** اخته، بلسان (بلسان مکی یا **Baume ou Mecque**)، لادن **Laudanum**، مرکلی **Myrrke** که برای درمان زخمها بسیار بکار می رفته است، مورد **nnyste**، تره (گندنا) **poaiou**، کاسنی (هندباء) **chi coree**، موم و سیر.

در دوران ساسانیان در دانشکده پزشکی و بیمارستان گندیشاپور فزون بر پژوهش های پزشکی، درباره گیاهان نیز پژوهش هایی انجام میگرفته است و مسافرت **بروزیه پزشک** به هندوستان از سوی انوشیروان در پی پیدا کردن گیاههای **پادزهری** بوده است.

فردوسی در این باره گوید:

پزشک پژوهنده آمد بکوه	بیاورد با خویشتن آن گروه
زدانایی او را فزون بود مهر	همی زهر بشناخت از پادزهر
گیاهان کوهی فراوان درود	بیفکند از آن هر چه بیکار بود
از آن پاک تریاق ها برگزید	بیامیخت دارو چنان چون سزید

میگویند در بیماری سخت دختر ملکه چین که پزشکان چینی از درمان آن درمانده شده بودند، پزشک ایرانی **خرداد برزین** (در دوران خسرو پرویز) به چین رفت و بیماری او را بازشناسی کرد و برای تندی تپش قلب وی، **کاسنی و آب انار و تره** سفارش نمود. (برگ 386 شعر فردوسی)

باید دانست رابطه ای که بین ایران و چین که در دوران قباد پادشاه ساسانی برقرار گردید، موجب شد، که از داروهای ایرانی به سرزمین خاقان و و از آنسوی کالاهایی از آن سرزمین به کشور ما بیاید و این برای پزشکی ایران در دوران ساسانیان بی بهره نبوده است.

دامپزشکی

در هوسپارم نسک از درمان حیوانات اهلی و سگ هار آمده است. همچنین **ستور پزشک** (دامپزشک) در دستگاه نظامی ساسانیان جایگاه ی ارجمند داشت، وی به وسیله گیاهان حیوانات را درمان می کرد.

آموزش و پرورش و آموختن دانش پزشکی در دوران ساسانیان

درباره آموزش و پرورش کودکان و جوانان دانستی هایی در دست است، که تا اندازه ای دقیق میباشد. دسته ای از نجیب زادگان مانند دوران هخامنشی در دربار با جوانان خانواده شاهی به آموختن دانشهای گوناگون میپرداختند. اینان خواندن و نوشتن و حساب و چوگان بازی و سواری و شکار و شطرنج می آموختند.

« منابع تاریخی که داریم، اطلاعی درباب تعلیم دختران بدست نمیدهد، بارتلمه (زن در حقوق ساسانی برگ 8) چنین حدس میزند، که تعلیم دختران بیشتر مربوط به اصول خانه داری بوده است. بعلاوه بغ نسک(دینکرد، کتاب نهم، فصل 67، بخش 9) صریحا از تعلیمات زن در فن خانه داری بحث میکند. معذالک زنان خانواده های ممتاز گاهی تعلیمات بسیار عمیق در علوم تحصیل میکردند و این مطلب از یک عبارت کتاب « ماذیگان ی هزار دادستان» بدست میاید و آن اینست: یکی از قضات در موقعی که بمحکمه میرفت، پنج زن او را احاطه کردند، و یکی از آنها سوالاتی از نمود راجع ببعضی از موارد مخصوصه از باب گرو و ضمانت. همینکه بآخرین سوال رسید، قاضی جوابی نداشت. آنگاه یکی از زنان گفت: « ای استاد، مغزت را از این بابت خسته مکن، و بی تعارف بگو: نمیدانم. بعلاوه ما خود جواب آن را در شرحی، که مگوگان اندرزبذ نوشته است است، خواهیم یافت. » (ایران در زمان تاریخ ساسانیان - کریستن سن)

همچنین وجود زنانی مانند گردویه، آرمیدخت و پوراندخت نشانگر این است که آموزشهای زنان تنها در خانه داری نبوده است.

بخش بندی، ویژگی ها و دستمزد پزشکان

چنانکه میدانیم در دوران ساسانیان همانند دوران هخامنشیان مردم به گروه های گوناگون بخش بندی شده بودند، روحانیون و لشگریان و دبیران و کارمندان کشوری و بزرگان. پزشکان بخشی از کارکنان کشوری بودند. جایگاه پزشکان در سلسله های ایرانی به دو درجه بود، اول **درستبذ (یا درواستوپت)** که پزشکان درجه اول بودند که پیشگیری از بیماریها و تندرستی همگانی مردم به گردن آنها بود. میتوان درستبذ را با مدیر عامل بهداری استانها و شهرستانهای امروزی همسان کرد.

دسته دوم پزشکان عادی و معمولی که همان پزشکان درمانگر بودند و از نگر جایگاه و درجه پایین تر از نخستین دسته قرار داشتند و بجز دو دسته بالا رییس کل پزشکان وجود داشته که او را « **ایران درستبذ** » میخوانند که میتوان به وی نام امروزی وزیر بهداری را داد.

از سویی رییس کل پزشکان جسمانی و روحی را **زرتشتروتوم Zarathush treotum** می خواندند که این را به موبدان موبد هم میگفتند.

بجز دسته های بالا در هوسپارم نسک در میان پزشکان کارآموده نام چشم پزشک نیز آورده شده است.

پزشکان چنانکه در پزشکی هخامنشیان آمد، به چند دسته بخش میشده اند:

- 1- دسته اول پزشکان و شفادهندگان روحانی(روانی) بودند که برتر از تمام پزشکان بشمار میرفتند.
- 2- دسته دوم آنان که با گیاهان درمان میکردند(گیاه پزشک) و نگهداران آتش یا آذربان که همگی به درمان بیماریها می پرداختند. اینان خود به دو دسته بخش بندی می شدند: گروه نخست همان **درستبذ** یا رییس بزرگ بهداشت بوده که کارشان از میان بردن دلیل بیماریهای همگانی بود، و گروه دیگر که پس از پخش شدن بیماری به درمان می پرداختند و **تن پزشک** خوانده می شدند.

در مورد تن پزشکی اندرزهایی در اوستا شده است که پیش از آغاز به پزشکی باید آنها بکار گرفته شوند.

در کتاب دینکرت پهلوی در بخش هوسپارم نسک درباره رفتار پزشک با بیمار و بیماری، پندها و دوراندیشی های سودمندی آمده است. در این کتاب دستور داده شده است که اگر پزشک به تن پروری بپردازد و در بیمارپرسی و درمان کندی کند، گناه بزرگی کرده است.

وظیفه یک پزشک با وجدان آن است که اثر داروهای را که برای بیماران سفارش می کند، روزبروز با نیزهوشی کامل مورد بررسی قرار دهد و آنرا عوض کند و داروهای که دارای ویژگی بهتری باشند به جای داروهای پیشین سفارش نماید.

بر پزشک بوده که از ناتوانان روزانه در زمان معین بازدید کند و در درمان آنان نهایت تلاش خود را بکار گیرد و با بیماری چنان در مبارزه افتد، که گویی با دشمن خود پنجه نرم میکند.

در ایران باستان به ویژگی هایی که پزشک باید دارا باشد بسیار اهمیت میداند. چون پزشکان تا اندازه ای از گروه اشراف زادگان و مردمان شریف بوده اند، می بایستی به آموزشهای بنیادی دست میزدند و در آخر فردی برگزیده میشد که جستارهای پزشکی را بخوبی آموخته باشد و در کار خود ماهر و با بیمار با آرامی و شکیبایی رفتار کند و تلاش کند بیمار را از روی وجدان درمان کند. افزون بر آن پزشک باید شیرین زبان و ملایم و مهربان و به کار خود افتخار کند، و از ادامه بیماری از روی آزمندی مال و اندوختن خودداری کند. پزشک باید خداترس بوده و تنها هدفش درمان بیماری باشد و بس. از آن گذشته پزشک اگر برای درمان و دستمزد خدمت میکند، می بایستی نخستین را بر دومی افزونی دهد.

اما آنکس که آزمند و بی مهر است و برای کار پزشکی ارجی نگذارد، پست ترین فرد از نگر جایگاه پزشکی میباشد.

گذشته از آن درباره ویژگی های پزشک آمده است که فزون بر آگاهی گسترده از بیماریها، درباره اندام و بندهای بدن آگاهی فراوان داشته باشد، به بیماران خوبی کند و در برابر آنان شکیبا و خوشرفتار باشد. درباره پزشک آمده است که باید با هوش و استعداد بوده تا بتواند بازشناسی درستی از بیماریها را بدهد.

به همینگونه درباره پزشک درمان کننده روح و جسم هر دو بایسته است که آزمایشهای مورد نیاز را با کمال مهارت انجام دهد، همانطور که در پزشکی دوران هخامنشی آوردیم (چنانکه در وندیداد آمده است)، اگر پزشکی سه نفر از پیروان دینهای دیگر یا بی دینان را درمان میکرد و آنان می مردند هرگز نمیتوانست به درمان دیگران بپردازد.

دیگر ویژگی های پزشک آن بود که باید به پاکی و دوراندیشی و اندیشه کردن در درمان کوشا باشد.

چنانکه گفته شد در دوران ساسانیان پروانه به پزشکان می دادند که مانند شهادتنامه و یا گواهی های امروزی بود، تا افرادی که شایسته پزشکی بودند، به درمان بپردازند.

دستمزد پزشکان در دوران ساسانیان مانند دوران هخامنشیان برقرار بوده، در یکی از بخشهای از دست رفته اوستای دوران ساسانی، یعنی هوسپارم نسک در مورد دستمزد پزشکان آمده است که پزشک می توانسته خوراکی های خوب، جامه های فاخر و خوب، اسبهای تندرو و به همینگونه پول بابت دستمزد درخواست کند. از آن گذشته پزشک می توانسته حتی از مردمان تهیدست دستمزد بگیرد و به اندازه درمانی که درباره افرادی که انجام میداده دستمزد بگیرد، همچنین مانند دوران هخامنشی قوانینی برای گرفتن دستمزد از رییس خانه و یا رییس ده و یا رییس کشور وجود داشته است.

پزشک درمانگر مجبور بود هر روز به هنگام نیاز به سرکشی بیمارش برود و بیمار باید دستمزد او پرداخت میکرد و محل و مکانی خوبی هم برای او فراهم میکرد.

در آن دوران پزشکان از نظر گرفتن دستمزد به چند دسته بخش بندی می شدند: نخست آن دسته از پزشکیانی که پزشکی را تنها از روی انسانیت و یا آموزش الهی گزیده بودند، اینان بهترین پزشکان بودند.

دوم پزشکیانی که پزشکی را از روی انسانیت و آموزش الهی و مال گزیده بودند. سوم پزشکیانی که تنها به مال دنیا چشم داشتند و بس. این پزشکان پایین ترین و پست ترین دسته پزشکان بودند.

تاریخ پزشکی در ایران در دوران خسرو اول انوشیروان (579 – 531 میلادی)

در دوران پادشاه خسرو اول انوشیروان، آزادی تجارت بین ایران و بیزانس و آزادی مسیحیان در کیش خود برقرار گشت. مرزهای ایران از شرق تا جیحون (مرز ایران و سرزمین خاقان ترک) و از جنوب تا یمن گسترش یافت. اما دوباره روابط ایران و روم تیره گردید و ژوستینین (یوستی نیاتوس Justinianos) از خسرو شکست خورد و تیسفون پایتخت شاه ایران شد.

انوشیروان با سیاست بسیار دانشمندانه ای توانست آرامش را به کشور بازگرداند که در سایه این آرامش گروهی از دانشمندان را از امپراتوری روم شرقی به ایران جلب کند، فزون بر آن از کشور هند بوسیله بروزیه پزشک نسکهای در دانش های گوناگون و نسکهای پزشکی به ایران آورد. چون انوشیروان آن تعصب برخی از شاهان دیگر ساسانی را نداشت، بدین روی پیوسته در کوشش برای جلب دانشمندان بود. از آن گذشته کارهای دیگری انجام داده شد که به پیشرفت گندیشاپور انجامید.

از نکته های که شایان نگرش است آنکه انوشیروان درباره جستارهای علمی و بررسی و کاوش در جستارهای فلسفی، به وجود آمدن جهان و جهان بی پایان و ابدی و مانند آنها بسیار کنجکاو بود. به همین روی دستور داد تا موبدان را گرد آوردند تا در این باب گفتگو و کاوش کنند. بجز آنها اجازه داد گروهی از فلاسفه یونان که به تیسفون پناه برده بودند، نیز در این گردهمایی ها شرکت یابند. این امر می رساند که انوشیروان از دوستداران آزادی دین و اندیشه بوده است.

مجلس کنکاش یا کنگره پزشکی

در دوران انوشیروان پزشکان و فلاسفه بسیاری در دربار به خدمت سرگرم بودند، از جمله جبرائیل پزشک گندیشاپور و بیادق پزشک و سرجیس راس العینی فیلسوف بزرگ و بروزیه پزشک. هر یک از آنان بخشی از امور پزشکی و یا دانشی را به گردن داشتند.

جبرائیل رییس پزشکان درباره بود. سرجیس به ترجمه نسکهای فلسفه و حکمت از یونانی به سریانی می پرداخت و بیادق پزشک به نوشتن نسکهای پزشکی و بروزیه پزشک به ترجمه نسکهای دانشمندان هندوستان که بیشتر در اخلاق و سیاست بود سرگرم بودند.

هنگامی در گفتگوی فلسفی و پزشکی ناسازگاری بین دانشمندان و فلاسفه و پزشکان سایر کشور پیش می آمد به امر پادشاه مجلس کنکاش در دربار بوجود میامد. این مجلس کنکاش را میتوان به نام کنگره بزرگ علمی و حکمتی نامید، که بنیان گزار آن انوشیروان پادشاه ساسانی بوده است.

درباره کنگره گرفتن و کنکاش در ایران باستان بسیار آمده و **انجمن ساختن** از ویژگیهای تمدن ایرانی است. اما از انجمن پزشکی یا باصطلاح امروزی کنسولتاسیون پزشکی نیز در ایران باستان نام برده شده است. در شاهنامه آمده است: آنگاه که کاوس به مازندران رفت و در هنگام نبرد چشمهایش تار شد پزشکان دور هم گرد آمدند و از بازشناسی درماندند.

فردوسی گوید:

پزشکان فرزانه گرد آمدند
ز هر گونه نیرنگها ساختند
همه یک بیک داستانها زدند
مرآن درد را باز نشناختند

ریاست کنگره با جبرائیل درستبذ (درستباد) بود. بجز وی یوحنا ی پزشکی و پزشکان دیگر در این کنگره شرکت داشتند. صورت مجلس کنگره پزشکی بصورت کتابی درآمده است. (تاریخ الحکما فقطی).

بروزیه پزشکی

از پزشکان و دانشمندان نامی دوران انوشیروان، بروزیه پزشکی را میتوان نام برد که رییس پزشکان شاهی بود. وی چنانکه گفته شد به هند رفت.

شرح حال بروزیه بدین گونه در کتاب کلیله و دمنه آمده است:

« چنین گوید بروزیه پزشک مقدم (رییس) پزشکان پارس: که پدر من از لشکریان بود و مادر از خاندان علما دین زرتشت و اول نعمتی که خدای تعالی بر من تازه گردانید، دوستی پدر و مادر بود و شفقت ایشان بر حال من، چنانکه از فرزندان دیگر مستثنی بودم و بمزیت تربیت و ترشیح (پرورش و شیردادن) مخصوص بودم. چون سال عمر به هفت رسید مرا بر خواندن علم پزشکی تشویق و تحریک نمودند و چندانکه اندک مایه وقوف افتاد و فضیلت آنرا بشناختم برغبتی صادق و حرصی غالب در تعلم آن میکوشیدم، تا بدان صنعت شهرتی تمام یافتم و در معالجه بیماران مهندی (راهنمایی شده) شدم، آنگاه نفس خویش را میان چهار کار که تکاپوی اهل دنیا از آن نتواند گذشت خیر گردانیدم، و فور مال و لذات حال و ذکر سائر و ثواب باقی و پوشیده نماند که علم پزشکی به نزدیک همه خردمندان و در همه دنیا ستوده است و در کتب پزشکی آورده اند که فاضلترین پزشکان آنست که علاج از جهت ثواب آخرت مواظبت نماید که بملازمت آن سیرت نصیب دنیا هر چه کاملتر ببیند و رستگاری عقبی مدخر گردد، چنانکه غرض کشاورز در پراکندن تخم دانه باشد که قوت او است اما گاه که علف ستور است خود بنتیجه حاصل آید. در جمله بر این کار اقبال تمام کردم و هر کجا بیماری نشان یافتم که در وی امید صحت بود معالجه او بر وجه حسبت (برای خدا و بدون طمع و اجر) کردم و چون یک چندی بگذشت و طایفه از امثال خود را در مال و جاه بر خویشتن سابق دیدم نفس بدان مایل گشت..... »

از کارهای دیگر بروزیه پزشک، برگرداندن نسکی به نام **Panchatantra** از سانسکریت به پهلوی است. کتاب دیگری به نام **حکمت هندی**، که در 1070 میلادی (462 هجری) بدست **شمعون انتاکی** از تازی به یونانی برگردانده شد را هم از بزرویه میدانند.

بزرگمهر (بوزرجمهر)

نام بزرگمهر در شمار نامهایی است که در تاریخ از آن به بزرگی و دانایی یاد میشود. افسانه ها و داستانهای بسیاری درباره وی گفته شده، که ممکن است بسیاری از آنها از راستی دور باشند، اما می رساند که وی نقش بسیار مهمی در تاریخ فلسفه و پزشکی ایران باستان بازی کرده است.

شرح حال این وزیر و اثر وی بر روی پادشاهی نوشیروان و بازدهی بر روی دانش آن دوران بسیار شایان توجه است. نخست بزرگمهر توجه و مهر شاه را بخود جلب کرد و برای آموزش و پرورش فرزند انوشیروان، هرمز گماشته شد. هرمز نسبت به بزرگمهر خوش رفتاری ننمود و استاد را از خود آزد، اما سپس از کرده خود پشیمان شد و جایگاه بزرگمهر بالا گرفت، تا آنکه به وزارت رسید و در امور کشوری با شایستگی بسیار به شاه خدمت نمود.

از داستانهای مشهور بزرگمهر پاسخی است به این پرسش در پیشگاه انوشیروان داده است:
که بزرگترین بدبختی چیست؟

فیلسوف یونانی گفت پیری و گودنی که با تنگدستی و نداری با هم باشد، دانشمند هندی گفت بیماری های جسمی که با دردهای روحی فزون گردد، **بزرگمهر گفت که آدمی ببیند که عمرش در حال به پایان رسیدن است و کار نیکی نکرده باشد، این بدترین بدبختی هاست.** این پاسخ در پیش خسرو بسیار پسندیده آمد و مقام و ارج بزرگمهر در برابر دانشمندان و فیلسوفهای خارجی نمایان شد.

سیمون انتاکی که در حدود سال 1070 میلادی کتابی از عربی به یونانی ترجمه کرده است و درباره فلسفه یونان می باشد، آنرا از بزرگمهر میداند (تاریخ پزشکی دکتر الگود برگ 53).

« **یادگار بزرگمهر** » نام یکی از پندنامه های پهلوی است نویسنده آنرا بزرگمهر میداند.

□ بیمارستان و دانشگاه پزشکی گندیشاپور

گردآورنده:
شاهین کاویانی



<http://derafsh-kaviyani.com/parsi>